

تحلیل مبانی فقهی و حقوقی جرایم مرتبط با اطلاعات نهانی در بازار اوراق بهادار

عادل ساریخانی^۱

غلامعلی میرزایی منفرد^۲

چکیده

بازار سرمایه به عنوان یکی از شاخه‌های بازار مالی در اقتصاد کشور به توزیع عادلانه اطلاعات بین فعالان آن بازار وابسته است. مطابق قانون بازار اوراق بهادار، شرکت‌ها مکلفند اطلاعات مهم و تاثیرگذار خود را از طریق سازمان بورس و اوراق بهادار به بازار افشاء نمایند تا کلیه سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه، سطح دسترسی یکسان و عادلانه‌ای به آن اطلاعات داشته و بر آن اساس، اقدام به دادوستد اوراق بهادار نمایند. با توجه به اینکه اشخاصی بنا به وظیفه‌ی قانونی و شغلی، به این اطلاعات نهانی دسترسی دارند، چنانچه قبل از افشای آنها به بازار، اقدام به معامله کرده و یا آن اطلاعات را به دیگران ارائه نمایند، و یا اینکه خارج از مکانیزم پیش‌بینی شده قانونی، اقدام به انتشار آن اطلاعات کنند، مرتکب جرم شده‌اند و علاوه بر مجازات کیفری، ضمانت اجرای مدنی مبنی بر جبران ضرر و زیان ناشی از آن جرایم را نیز بر دوش دارند. مقاله حاضر، به دنبال انطباق این رفتارها، با موازین شرعی و فقهی است. لذا با رویکرد فقهی و شرعی به این اقدامات، در می‌یابیم که مبادرت به آنها، با برخی قواعد فقهی و دستورات شرعی مخالفت دارد.

واژگان کلیدی: اطلاعات نهانی، دارندگان اطلاعات نهانی، لاضرر، خیانت در امانت، بی‌عدالتی و

ظلم، اکل مال به باطل

طبقه‌بندی موضوعی: G10

۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم، نویسنده مسئول، ایمیل adelsari@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم، mirzaie784@yahoo.com

مقدمه

اسلام، فعالیت های اقتصادی مبتنی بر عدالت و انصاف را توصیه و هرگونه تبعیض، فریب، تدلیس، سوء استفاده از حق و موقعیت، خیانت در امانت و کلاهبرداری در معاملات را که موجب می شود کفه ترازوی عدالت به سمت یکی از طرفین سنگینی کند، تقبیح و منع کرده است. این رویکرد نه تنها در برخی از آیات قرآن کریم وارد شده، بلکه روایات وارده از معصومین (ع) و سنت آنها نیز بر آن استوار بوده است. در بازار اوراق بهادار، اطلاعات شرکت های پذیرفته شده در بورس یا بازارهای خارج از بورس، دارای ارزش و تبعات مالی بوده و چنانچه این اطلاعات توسط دارندگان آنها، به شیوه قانونی و در زمان و به کیفیت مقتضی و قابل اتکاء، به بازار افشاء شود، راه برای سوء استفاده برخی از افراد از آن اطلاعات بسته خواهد شد و در نتیجه سرمایه گذاران در فرایند سرمایه گذاری خود در بازار، شاهد نشت اطلاعاتی و به هم خوردن توازن اطلاعاتی نخواهند بود. در این بازار که اصل «شفافیت»^۱ و سطح دسترسی یکسان افراد به اطلاعات یکی از شاخصه های آن به شمار می رود، هر گونه سوء استفاده از اطلاعات نهانی شرکتها به یک بازار عادلانه، کارآ، شفاف و بدون تبعیض صدمه زده و نظم بازار را مختل و به دلیل وقوع ضرر و زیان هایی که به سرمایه گذاران وارد می کند، موجبات دلسردی و نوسیدی آنان برای سوق دادن و جوه سرگردان خود به سمت این بازار و تزریق آن به شرکت های تولیدی کشور را فراهم خواهد کرد. در راستای همین اخلال در نظم و انضباط بازار، غالب کشور های جهان، اقداماتی مرتبط با اطلاعات نهانی که در سه رفتار نمود پیدا می کند را جرم انگاری کرده و برای مرتکبان آنها مجازات های سنگین کیفری تعیین کرده اند. در کشور ما نیز هرچند بورس با تشکیل قانون تاسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵ تشکیل و اجرایی شد اما تا تصویب قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ مجلس شورای اسلامی، خبری از جرم انگاری این اقدامات نبود و حداکثر واکنشی که نهاد ناظر بازار اختیار اعمال آن را داشت، مجازات اداری و انضباطی بود، اما قانون اخیرالذکر اقدام به جرم انگاری سه اقدام با عنوان؛ معامله متکی بر اطلاعات نهانی، سوء استفاده از اطلاعات نهانی و افشای اطلاعات نهانی نمود.

روش تحقیق و گردآوری داده ها و اطلاعات در این مقاله، برگرفته از مطالعه ی کتابخانه ای می باشد. در این نوشتار، علاوه بر شناسایی برخی مفاهیم و همچنین هر سه رفتار مورد اشاره، به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که آیا اساساً ممنوعیت اقدامات مذکور به لحاظ آثار و تبعات آنها بر نظام بازار و همچنین

1. Transparency

بر دارایی سرمایه گذاران، ریشه ی فقهی نیز دارد؟ اگر چنین است با کدام قواعد فقهی قابل انطباق می باشد؟

مباحث در دو سرفصل مطرح شده است. در بخش اول ضمن شناسایی برخی مفاهیم همچون، «اطلاعات نهانی»^۱ و «دارندگان اطلاعات نهانی»^۲، به بیان اجمالی پیرامون سه رفتار مجرمانه ی مرتبط با اطلاعات نهانی خواهیم پرداخت و قسمت دوم را به مبانی و ریشه های فقهی جرم انگاری آن رفتار ها اختصاص خواهیم داد.

الف: کلیات

به طور کلی سه عنوان مجرمانه، با اطلاعات نهانی شرکتها در ارتباط بوده که رفتار و سوء نیت مجرمانه و نتایج حاصل از آن و شرایط تحقق هر کدام متفاوت می باشد. لیکن از آنجا که شناسایی برخی مفاهیم به عنوان مقدمه و پایه جرایم ضروری است، ابتدا به مفاهیم مرتبط پرداخته و سپس جرایم را تشریح خواهیم کرد:

۱- مفهوم شناسی

در بحث مفاهیم، لازم است با دو مفهوم کلیدی آشنا شویم: اول؛ مفهوم «اطلاعات نهانی» و دوم؛ «دارندگان اطلاعات نهانی»

۱-۱- اطلاعات نهانی

قانون بازار اوراق بهادار در تعریف اطلاعات نهانی مقرر می دارد: « هرگونه اطلاعات افشاء نشده برای عموم که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به اوراق بهادار، معاملات یا ناشر آن مربوط می شود، و در صورت انتشار، بر قیمت و یا تصمیم سرمایه گذاران برای معامله اوراق بهادار مربوط تأثیر می گذارد».^۳ لذا اطلاعات نهانی را می توان دارای ارکان و اجزای ذیل دانست:

مجرمانه بودن اطلاعات^۴

تا زمانی که اطلاعات درونی شرکت از حیطه اشخاص تصمیم گیرنده یا کارکنان مرتبط به بیرون افشاء نشده، مجرمانه تلقی می شود.

1. Inside information

2. Insiders

4. Confidentiality

با ارزش بودن اطلاعات^۱

صرف اینکه اطلاعات درونی یک شرکت محرمانه باشد، کافی برای تحقق نهانی بودن آن نمی‌باشد. بلکه لازم است آن اطلاعات دارای ارزش مالی نیز باشد. به بیان دیگر محرمانه بودن اطلاعات، شرط «ضروری» است نه شرط «کافی». برای تحقق کفایت، رکن «با اهمیت بودن» اطلاعات نیز لازم است. منظور از با اهمیت بودن نیز آن است که چنانچه سرمایه‌گذاری از اطلاعات مثبت و خوب شرکت با خبر باشد، بر تصمیم وی برای خرید سهام بیشتری از آن شرکت تأثیر بگذارد و یا چنانچه از خبر منفی داخل شرکت مطلع شود، بر تصمیم وی به فروش سهام در اختیار خود از آن شرکت تأثیر گذار باشد.^۲

۲- دارندگان اطلاعات نهانی

منظور از دارندگان اطلاعات نهانی، افرادی هستند که از اطلاعات محرمانه منتشر نشده و با اهمیت داخلی شرکت آگاهی دارند در حالی که عموم بازار از آن بی‌اطلاع هستند. این گروه به اعتبار منشأ دریافت اطلاعات به دو دسته کلی به شرح ذیل تقسیم می‌شوند:

۱-۲- دارندگان اولیه^۳

منظور از دارندگان اولیه اشخاصی هستند که یا تولید کننده ی اطلاعات بوده و یا اطلاعات را از منبع اصلی به اعتبار وظیفه قانونی و شغلی خود دریافت می‌کنند. دارندگان اولیه به این اعتبار به دو گروه دائم و موقت تقسیم می‌شوند.

دارندگان دائم^۴

این گروه در ایجاد اطلاعات نهانی مستقیماً نقش دارند و به عبارت دیگر سرچشمه اطلاعات نهانی درون شرکت شناخته می‌شوند. همچون اعضای هیأت مدیره، ناشر، مدیرعامل، هیأت عامل، سهامدار عمده و تبصره ۱ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار به این گروه اشاره دارد.

1. Importance

۲. دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان مصوب ۱۳۸۶/۵/۳ هیأت مدیره سازمان، برخی از مصادیق اطلاعات مهم را ذکر کرده است.

3 - Primary Insider

4 - Permanently insider

دارندگان موقت^۱

این گروه به اعتبار بازه زمانی یا موضوع مشخصی که بر حسب وظیفه با شرکت در ارتباط است، از اطلاعات نهانی شرکت آگاهی حاصل می‌کند؛ همچون وکیل قانونی شرکت که برای طرح دعوی یا دفاع از حقوق شرکت از اطلاعات نهانی شرکت با خبر می‌شود.

۲-۲-۱۵ دارندگان ثانویه^۲

این گروه اطلاعات را به طور غیرمستقیم و با واسطه از منبع اصلی اطلاعات نهانی دریافت می‌کنند و خود نقشی در تولید اطلاعات ندارند. دریافت اطلاعات ممکن است با آگاهی و عمد دارنده اطلاعات نهانی باشد یا بدون علم و اطلاع وی که به همین اعتبار به دو دسته ذیل تقسیم می‌شوند:

توصیه شونده^۳

چنانچه دارنده اولیه اطلاعات نهانی، آن اطلاعات را به شخص دیگری ارائه کرده، فارغ از اینکه خود در کسب منفعت یا دفع ضرر ناشی از آن بهره‌ای ببرد، یا نبرد، فرد توصیه شونده دارنده اطلاعات نهانی شناخته می‌شود.

دارنده اتفاقی^۴

گاهی شخصی غیر مرتبط با دارندگان اولیه اطلاعات نهانی و براساس اتفاق، حادثه، شنود، تجسس و ... از اطلاعات نهانی درون شرکت با خبر می‌شود. تفاوت این گروه با دسته‌ی اول در این است که انتقال اطلاعات از دارنده اولیه در گروه اول عامدانه و آگاهانه و در این گروه ناآگاهانه و بدون عمد (یا ناشی از سهل‌انگاری و غفلت) صورت گیرد.

1. Temporary
2. Secondary Insider
3. Tippee
4. Accidental Insider

۲- جرایم مرتبط با اطلاعات نهانی

قانون بازار اوراق بهادار سه رفتار مرتبط با اطلاعات نهانی داخلی شرکتها را جرم انگاری کرده که تحت سه عنوان مجرمانه قرار می‌گیرد که ذیلاً به اختصار به شرح عناصر تشکیل دهنده آنها می‌پردازیم:

جرم معامله متکی بر اطلاعات نهانی^۱

بند ۲ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار به عنوان رکن قانونی این جرم، مقرر می‌دارد که هر شخصی که با استفاده از اطلاعات نهانی به معاملات اوراق بهادار مبادرت نماید، به حبس تعزیری از سه ماه تا یکسال یا به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به دست آمده یا زیان متحمل نشده یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

رکن مادی این جرم «خرید» یا «فروش» اوراق بهادار پذیرفته شده در یکی از بازارهای رسمی همچون بورس اوراق بهادار، فرابورس، بورس کالای ایران یا بورس انرژی می‌باشد. لذا لازمه حصول معامله، تحقق عملی خرید یا فروش می‌باشد و چنانچه سفارش خرید یا فروش توسط دارنده اطلاعات نهانی به کارگزار ارائه و کارگزار اقدام به معامله نکند یا نتواند معامله بکند، معامله محقق نشده است. سفارش دهنده ممکن است هر کدام از دارندگان دائم، موقت، توصیه شونده یا اتفاقی بوده و لزوماً دارنده اولیه اطلاعات نهانی نیست.

نکته شایان ذکر اینکه این جرم از زمره جرایم مطلق به شمار رفته که نیاز به حصول نتیجه خاصی همچون کسب منفعت، دفع ضرر از خود یا اضرار به غیر ندارد و صرف اقدام به معامله با وجود سایر شرایط، جرم را کامل می‌کند. معامله متکی بر اطلاعات نهانی آثار و تبعات مخربی بر کارایی بازار سرمایه دارد. این معاملات باعث ایجاد ناعدالتی اطلاعاتی و امکان کسب بازدهی بیشتر برای دارندگان اطلاعات نهانی و کاهش مشارکت سرمایه‌گذاران و در نتیجه لطمه به اقتصاد ملی می‌شود. دارندگان اطلاعات نهانی با معامله متکی بر آنها، بازدهی بالاتری از سایر سرمایه‌گذاران بی‌اطلاع کسب می‌نمایند. دارندگان اولیه اطلاعات نهانی امین شرکت محسوب شده و هرگونه سوء استفاده از اطلاعات نهانی در اختیار، به امانتداری آنها خدشه وارد می‌کند. این اقدام موجب تضاد منافع دارندگان اطلاعات

۱- غلامعلی میرزایی منفرد، تحلیل جرم معامله متکی بر اطلاعات نهانی، پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، شماره ۱۷، ۱۳۸۹، صص ۲۳۳ تا ۲۵۶

نهانی با سهامداران شرکت می‌گردد^۱. خلاصه اینکه معامله متکی بر اطلاعات نهانی علاوه بر اینکه بر اعتماد عمومی سرمایه‌گذاران به یک بازار عادلانه و شفاف لطمه وارد کرده، موجبات ضرر و زیان سایر سرمایه‌گذاران اعم از سرمایه‌گذارانی که در طرف دیگر صف خرید و فروش قرار داشتند و یا سهامدارانی که مالک آن سهام مشخص بودند را فراهم می‌نماید. ضمن اینکه چنانچه اطلاعات نهانی شرکتها را دارای ارزش بدانیم - که چنین نیز می‌باشد - دارندگان اطلاعات نهانی امانتدار آن اطلاعات بوده و باید آنها را در چارچوب افشای قانونی اطلاعات به همه بازار انعکاس دهند تا سطح دسترسی افراد متفاوت نباشد و هر گونه اقدام به معامله‌ی خود آنها قبل از افشای عمومی، می‌تواند مصداق عرفی خیانت در امانت تلقی گردد.

جرم سوء استفاده از اطلاعات نهانی

به موجب بند ۱ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار، هر شخصی که اطلاعات نهانی مربوط به اوراق بهادار موضوع این قانون را که حسب وظیفه در اختیار وی قرار گرفته، به نحوی از انحاء به ضرر دیگران یا به نفع خود یا به نفع اشخاصی که از طرف آنها به هر عنوان نمایندگی داشته قبل از انتشار عمومی مورد استفاده قرار دهد، به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به دست آمده یا زیان متحمل نشده یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

عنصر مادی این جرم، «استفاده» است که در قالب «فعل» محقق می‌شود. استفاده می‌تواند شامل ارائه اطلاعات نهانی به ثالث به منظور معامله وی براساس آن اطلاعات، توصیه به خرید یا فروش اوراق بهادار مشخص، انعقاد توافق نامه به ثالث به منظور توصیه به خرید، فروش یا نگهداری اوراق بهادار مشخص مبتنی بر اطلاعات نهانی گردد. به هر حال مصادیق مذکور تمثیلی است نه حصری. از شرایط تحقق این جرم این است که باید رابطه امانی بین فرد سوء استفاده‌گر با ناشری که اطلاعات نهانی آن مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد، وجود داشته باشد. به عبارت دیگر دارندگان اطلاعات نهانی باید مطابق وظیفه‌ی قانونی آن اطلاعات را به عنوان امانت در اختیار داشته باشند نه بر حسب اتفاق، تصادف، شهود، انتقال از دارنده... سوء استفاده زمانی محقق می‌شود که دارنده اطلاعات نهانی قبل از اینکه اطلاعات به نحوی از انحاء به بازار افشاء شود، از آن بهره بگیرد. لذا تفاوت مهمی که این جرم با جرم معامله دارد، این است که تحقق آن منوط به إنتفاع یا إضرار به برخی اشخاص معین است در

۱. سیدمهدی علم الهدی؛ نقش اطلاعات نهانی در تضییع حقوق سهامداران و راهکارهای مقابله با آن، برگرفته از سایت مدیریت پژوهش سازمان به آدرس: www.rdis.ir

حالی که جرم معامله مطلق بوده و نیازی به کسب سود و منفعت و یا دفع ضرر ندارد. به بیان دیگر جرم سوء استفاده، «مقید» به نتیجه و جرم معامله «مطلق» است.^۱

سوء استفاده از اطلاعات نهانی خواه به قصد انتفاع خود یا دیگری، یا اضرار به دیگری باشد، فضای رقابت مبتنی بر عدالت در دسترسی به اطلاعات را خدشه دار کرده و موجب زیان سهامدارانی می‌شود که در صفوف مقابل سفارش‌های افراد دارنده اطلاعات نهانی قرار گرفته‌اند. طبیعی است که پس از افشای آن اطلاعات به بازار ورق به نفع دارندگان و به ضرر سایر سهامداران ناآگاه برخورد گشت و این امر، نتیجه‌ای جز بی‌اعتمادی به یک بازار عادلانه، شفاف، کارآ و رقابتی در بر ندارد.

صاحبان اطلاعات نهانی که حسب وظیفه قانونی به آن اطلاعات دسترسی دارند، یا خود در تولید آن نقش داشته‌اند و یا جهت انجام وظیفه‌ای قانونی در برهه‌ی زمانی مشخص از آن اطلاعات خبردار شده‌اند، باید اطلاعات درونی شرکت را به مثابه‌ی اموال دارای ارزش مالی دانسته که در اختیار آنها قرار گرفته تا به شکل عادلانه بین همه‌ی سرمایه‌گذاران تقسیم شود نه اینکه برخی با رانت اطلاعاتی از آن بهره برده یا موجبات ضرر دیگران را فراهم نمایند. لذا اقدام آنان خلاف اصل امانتداری و لزوم حفاظت از مالی امانی است و هر گونه دخل و تصرف در مال امانی خیانت در امانت تلقی می‌گردد که امری مذموم و ناپسند می‌باشد.

افشای اطلاعات نهانی

یکی دیگر از اقداماتی که به بازار رقابتی سالم و شفاف لطمه وارد می‌کند این است که افرادی که حسب وظیفه قانونی در شرکتها یا ناظران آنها به اطلاعات نهانی دسترسی دارند، در خارج از چارچوب مقرر قانونی آن اطلاعات را انتشار داده و موجبات تبعیض اطلاعاتی بین سهامداران و سرمایه‌گذاران در آگاهی از آن اطلاعات را فراهم نموده و در نتیجه به افراد ناآگاه زیان وارد نمایند. این اقدام را نیز بند ۱ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جرم قلمداد کرده و برای مرتکب آن مجازات کیفری شامل حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به دست آمده یا زیان متحمل نشده یا هر دو مجازات پیش‌بینی کرده است.

برای تحقق این جرم شرایط زیر ضروری می‌باشد:

۱. غلامعلی میرزایی منفرد، تحلیل جرم سوء استفاده از اطلاعات نهانی در بازار اوراق بهادار، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۵، بهار و تابستان

اولاً: دارنده و افشاء کننده اطلاعات باید به لحاظ رابطه شغلی با منشأ اطلاعات، به آن اطلاعات دسترسی پیدا کرده باشد نه به واسطه اطلاع توسط شخص واسطه با دارنده اطلاعات؛
ثانیاً: این جرم همانند جرم معامله مطلق است نه مقید؛ لذا حصول نتیجه خاصی همچون انتفاع یا
إضرار ضرورتی ندارد؛

ثالثاً: افشای اطلاعات، اعم است از افشای عمومی مثل افشاء از طریق یک سایت و خبرگزاری یا
افشای خصوصی مثل نشر اطلاعات در محفل خصوصی دوستانه یا خانوادگی؛
رابعاً: افشاء باید در غیر موارد مقرر قانونی صورت گرفته باشد و اشخاصی که صلاحیت اطلاع از
آنها را ندارند، نباید از موضوع خبردار شوند.

خامساً؛ شیوه افشاء تفاوتی نمی کند. ممکن است شفاهی، نوشتاری، سایبری و اینترنتی و... باشد.
در این صورت، کافی است دارنده اطلاعات نهانی، در افشای اطلاعات نهانی به غیر و فارغ از هر
نتیجه‌ای، عمد و قصد داشته باشد نه ناشی از سهل انگاری و غفلت در حفظ و نگهداری از اسناد و
اطلاعات و یا اشتباه موضوعی در تشخیص شخص صالح در دریافت اطلاعات.
همان آثار و تبعات منفی و سوئی که جرایم «معامله متکی بر اطلاعات نهانی» و «سوءاستفاده از
اطلاعات نهانی» برای نظم و انضباط بازار سرمایه و حقوق سرمایه‌گذاران در پی دارد، این جرم نیز در
بر دارد.

اکنون که به طور اجمالی با ماهیت، شرایط، آثار و تبعات جرایم سه گانه مرتبط با اطلاعات نهانی
آشنا شدیم، در فصل بعدی به بررسی مبانی فقهی و شرعی آن جرایم با رویکرد آثار و نتایجی که به
بار می‌آورند، می‌پردازیم.

ب: مبانی فقهی

آنطور که در فصل پیشین مشخص شد، ارتکاب جرایم سه گانه مرتبط با اطلاعات نهانی، در قالب
معامله، سوء استفاده یا افشاء، علاوه بر تشویش و اخلال در نظم و انضباط بازار، کسب سود و منفعت
بدون رعایت عدل و انصاف، ایراد ضرر و زیان مالی به سرمایه‌گذاران، ترویج بی اعتمادی به بازار، به
نوعی خیانت در امانت سپرده شده به دارندگان اطلاعات نهانی نیز به شمار می‌رود. با این حال،
ارتکاب هر کدام از این جرایم، به بازار عادلانه، شفاف، نقد شونده، رقابتی و کارآ خدشه وارد کرده و
اعتماد سرمایه‌گذاران را برای سرمایه‌گذاری در این حوزه سلب می‌نماید و در نتیجه تولید کنندگان و
مولدان در عرصه اقتصاد ملی برای جمع‌آوری سپرده‌های خرد افراد جامعه و انتقال آنها در بخش

تولید، با مشکل مواجه می‌شوند. لذا در این فصل به مبانی فقهی و شرعی ارتکاب جرایم مذکور پرداخته و در حدی که اقتضاء نماید آنها را شرح خواهیم داد:

۱- قاعده لاضرر

مهمترین قاعده‌ی قابل استناد در جرم‌انگاری اعمال سه‌گانه، قاعده «لاضرر» است. بحث پیرامون این قاعده به مبسوط در کتب فقهی و اصولی به عمل آمده و آنچه در اینجا به آن می‌پردازیم، ارتباطی است که با اقدامات مورد بحث دارد. دو عبارت از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند: «إِنَّكَ رَجُلٌ مُضَارٌّ وَلَا ضَرَرٌ وَلَا ضِرَارَ عَلَيَّ مُؤْمِنٍ»؛ یعنی تو مرد ضرر زننده‌ای هستی، و به مؤمن کسی نباید ضرر بزندی. این روایت با اندکی اختلاف به گونه‌ای دیگر نیز نقل شده است؛ مثلاً به این صورت که پیغمبر (ص) به مرد انصاری فرمود: «إِذْهَبْ فَأَقْلَعِهَا وَارْمِ بِهَا إِلَيْهِ فَانْهَ لَّا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ»؛ یعنی برو و آن را از جا بکن و به نزد او انداز، زیرا ضرر و ضِرار وجود ندارد.

این دو روایت مربوط به یک داستان است که به طرق مختلف نقل گردیده است. فرق این دو روایت این است که در روایت اول، عبارت «عَلَيَّ مُؤْمِنٍ» وجود دارد و در دومی وجود ندارد. در بعضی از اسناد، جمله «فِي الْإِسْلَامِ» نیز آمده است. وصول روایات با تعبیرهای مختلف ناشی از نقل به معنا است، ولی مضمون قاعده لاضرر به حال خود محفوظ است.^۱

«قاعده لاضرر از گذشته حتی در صدر اسلام به عنوان قاعده و مبنایی برای نفی احکام ضرری و حرمت اعمال ضرری به اشکال گوناگون مورد استفاده فقهای شیعه بوده است».^۲ در اغلب نظام‌های حقوق معاصر، این موضوع تحت عنوان «عدم جواز سوء استفاده از حق» مطرح شده است و می‌توان گفت منشأ عقلی دارد و بنای عقلاء بر این قاعده استوار است.^۳ هرچند که مهم‌ترین مستند این قاعده، روایت متواتر مذکور است، اما علاوه بر بنای عقلاء، آیات متعددی نیز بر آن تأکید دارند.^۴

مرحوم امام (ره) در بیان مفهوم ضرر و ضرار در این حدیث معتقدند که مفهوم ضرر، ضرر مالی و جانی و معنای إضرار، تضییق و ایراد جرح و مشقت بر دیگری است.^۵

۱- مصطفی محقق داماد، قواعد فقه، بخش مدنی، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۴

۲- عبدالحسین رضایی نژاد، گستره کارآمدی قاعده فقهی لاضرر، حقوق اسلامی، سال ۷، شماره ۲۵، تابستان ۸۹، ص ۶۵

۳- حسین ایوبی مهریزی مبانی قاعده لاضرر از دیدگاه فقه امامیه، کاوش نامه علوم انسانی، سال اول، ۱۳۷۹، ش ۱، ص ۴۳

۴- بقره آیات ۲۳۳-۲۳۱ و ۲۳۱-۲۸۴- نساء آیه ۱۲، توبه آیه ۱۰۷

۵- روح ... خمینی (ره)، رسایل، ج ۱، ص ۳۰: «ثم اعلم ان غالب استعمالات الضرر و الضر و الإضرار و سایر تضاریفهما هی فی الضرر

المالی و النفسی بخلاف الضرار و تضاريفه، فان استعمالها فی التضییق و إیصال الحرج و المكروه و الكلفة شایع بل الظاهر غلبته فیها»

به نظر می‌رسد که معنای حدیث لاضرر آن است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد ... رسول اکرم (ص) وجود ضرر را در محیط تشریح معدوم اعلام کرده و بنابراین همانطور که کلام رسول ... (ص) حکایت از مرحله انشای قوانین دارد، در مرحله اجرا یعنی در موارد خاص روابط اجتماعی مردم با یکدیگر نیز چنانچه عمل منجر به اضرار فردی به دیگری گردد، مورد امضای شارع قرار نخواهد گرفت.^۱

هرچند در خصوص مفاد و دامنه سری قاعده مورد بحث میان فقها، اختلاف نظر وجود دارد و برخی مفهوم «لا» را دال بر نفی و برخی نهی گرفته‌اند، اما آنچه مسلم است اینکه ورود ضرر جانی و مالی به دیگری اعم از مسلمان و غیرمسلمان عملی حرام بوده و مورد تأیید شارع نمی‌باشد. حتی ایراد آسیب‌های روحی و روانی و تشویش خاطر افراد نیز عملی مردود و حرام شناخته می‌شود؛ چرا که در روایت سمره بن جندب وی با ورود بدون اذن خود به محیط منزل مرد انصاری، موجبات سلب آسایش خانواده‌ی او را فراهم می‌کرد که به دستور پیامبر (ص) با او برخورد شد. اضرار به دیگری چنانچه بدون عمد و قصد باشد، صرفاً مسئولیت مدنی به همراه خواهد داشت اما چنانچه فردی با سوء نیت و آگاهانه عملی مرتکب شود که به دیگری زیان وارد شود، آن عمل حرام شناخته شده و علاوه بر تحقق مسئولیت مدنی، حسب مورد، تعزیر مرتکب را نیز به همراه خواهد داشت.

اما در انطباق جرایم مرتبط با اطلاعات نهانی، چنانچه دارنده اطلاعات نهانی با علم و آگاهی از اینکه اطلاعات منفی داخلی شرکت که هنوز به بازار افشاء نشده و دارای ارزش بوده و در صورت انتشار به بازار، بر تصمیم سرمایه‌گذاران برای فروش سهام آن شرکت مؤثر است، رأساً قبل از افشاء اقدام به فروش سهام خود در آن شرکت با قیمت بالا نماید و پس از افشای اطلاعات منفی، سهام مزبور با افت قیمت مواجه شود، این اقدام دارنده اطلاعات نهانی در فروش سهام خود که معمولاً هم به تعداد زیاد صورت می‌گیرد، موجبات ضرر و زیان سایر سهامداران به ویژه سهامدارانی که در طرف دیگر صف خرید با قیمت بالا قرار داشتند را فراهم می‌کند که این اقدام علاوه بر ایراد ضرر مادی و مالی ناشی از افت قیمت سهام، آسایش روحی و روانی سهامدار متضرر را نیز در پی دارد که هر دو اقدام در بازار سرمایه حرام و نامشروع قلمداد می‌شود.

سوء استفاده از اطلاعات نهانی نیز چنانچه به قصد اِنْتِفَاع یا اضرار انجام شود، بدین معناست که دارنده اطلاعات نهانی اقدام به ارائه اطلاعات به دیگری می‌نماید تا وی به عنوان شخص معامله‌کننده و گیرنده اطلاعات نهانی که طرف مقابل صف خرید یا فروش سهام مربوطه قرار دارد، برای اِنْتِفَاع خود،

۱. سید مصطفی محقق داماد، همان، ص ۱۵۰

سهام دیگری را در قیمت پایین خریداری می‌نماید و یا اینکه سهام خود را به قیمت بالا به دیگری می‌فروشد و حال آنکه علم و آگاهی دارد که پس از افشای آن اطلاعات به بازار، قیمت به سمت تعادل پیش خواهد رفت و در نتیجه سرمایه‌گذارانی که بدون علم و آگاهی از اطلاعات مهم و افشاء نشده به عموم اقدام به معامله بر روی آن سهام کرده، با زیان مالی و چه بسا با آسیب‌های روحی مواجه شوند که مطابق با قاعده لاضرر این اقدام حرام و نامشروع می‌باشد. چنانچه دارنده اطلاعات نهانی که حسب وظیفه قانونی می‌بایست در حفاظت از آن اطلاعات نهانی شرکت راز دار بوده و در حفظ آن کوشا باشد، آن را به دیگری ارائه نمی‌کرد و شخص توصیه‌شونده نیز بر آن اساس اقدام به معامله نمی‌کرد، سرمایه‌گذاران طرف مقابل متحمل زیان نمی‌شدند.

افشای اطلاعات نهانی در غیر موارد مقرر قانونی نیز رویه یک سیستم قانونمند برای افشای اطلاعات نهانی به بازار سرمایه به منظور کسب اطلاع همه سرمایه‌گذاران بدون تبعیض را خدشه‌دار کرده و موجبات نشت اطلاعات نهانی به برخی افراد خاص را فراهم می‌نماید که این اقدام نیز به نوبه خود همان آثار و نتایج مالی را برای سرمایه‌گذاران بی‌اطلاع در بر داشته و احکام قاعده لاضرر در تقبیح یا نهی ایراد ضرر به دیگران بر آن نیز بار می‌شود. نشت اطلاعات نهانی از کانال‌های غیررسمی موجبات تشویش خاطر سرمایه‌گذاران و بی‌اعتمادی آنان به بازار سرمایه به عنوان محلی برای جمع‌آوری سپرده‌های خرد و حرکت آنها به سمت تولید را فراهم می‌کند.

۲- حرمت خیانت در امانت

لزوم حفظ امانت و تعیین مجازات برای خائنین علاوه بر دین اسلام، در سایر ادیان نیز مورد تأکید قرار گرفته است.^۱ در شریعت اسلام، در آیات و روایات متعددی به لزوم حفظ امانت تأکید شده است. خداوند در قرآن کریم در سوره نساء آیه ۵۸ می‌فرماید: "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا"، این آیه گرچه همانند بسیاری از آیات در مورد خاصی نازل شده ولی بدیهی است یک حکم عمومی و همگانی از آن استفاده میشود، و صریحا می‌گوید: خداوند به شما فرمان میدهد که امانتها را به صاحبان آنها بدهید. روشن است امانت معنی وسیعی دارد و هر گونه سرمایه مادی و معنوی را شامل میشود و هر مسلمانی طبق صریح این آیه وظیفه دارد که در هیچ امانتی نسبت به هیچکس (بدون استثناء) خیانت نکند، خواه صاحب امانت، مسلمان باشد یا غیر مسلمان، و این در واقع یکی از مواد اعلامیه حقوق بشر در اسلام است که تمام انسانها در برابر

۱. حسین سلیمانی، جرایم در حقوق کیفری یهود، هفت آسمان، شماره ۲۷۶ ص ۱۶۷

آن یکسانند، قابل توجه اینکه در شان نزول فوق، امانت تنها یک امانت مادی نبود و طرف آن هم یک نفر مشرک بود.^۱ یا در آیه ای دیگر می فرماید: " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ^۲ و در جایی دیگر " وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ^۳." در روایات متعددی نیز از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) به لزوم امانت داری مسلمانان نسبت به اموال غیر مسلمانان تصریح شده است. به عنوان نمونه پیامبر اکرم (ص) می فرماید " کسی که در دنیا به امانتی خیانت کند و آن را به صاحبش برنگرداند و مرگش فرا رسد، بر غیر آئین من مرده است"^۴ و یا آن حضرت می فرماید: به زیادی نماز و روزه آنها نگاه نکنید، بلکه به راستگویی و امانتداری آنها بنگرید"^۵.

در بازار سرمایه، اطلاعات نهانی که حسب وظیفه قانونی در اختیار اشخاص معینی از شرکت های پذیرفته شده در بورس یا بازار خارج از بورس و یا ناظران آنها همچون کارکنان ناظر بر شرکت ها در سازمان بورس، قرار می گیرد، همچون به امانت گذاشتن یک مال منقول در دست آنهاست که قرار بر این بوده تا به نحو مساوی به انتفاع همه کارکنان یک شرکت برسد اما امین، یا آن را می فروشد و علاوه بر تضییع حقوق ذینفعان، از منافع آن سود می برد و یا آن مال را در اختیار نزدیکان خود جهت بهره برداری از آن قرار می دهد و یا اینکه به جای ارائه آن به کارکنان شرکت مربوطه، در اختیار افراد مختلف قرار دهد؛ اقدام اخیر آنان، به بیان اهل منطق، جامع افراد و مانع اُغیار نیست؛ یعنی تمام اشخاص واجد شرایط و ذیصلاح جهت آگاهی از اطلاعات مهم، از آن آگاهی ندارند و از طرف دیگر، اخبار به اشخاصی ارائه می گردد، که چه بسا سهام آن شرکت را مالک نباشند.

با عنایت به اینکه اطلاعات در بازار سرمایه دارای ارزش و آثار مالی برای سرمایه گذاران می باشد، طبیعتاً وقتی که فردی اطلاعات شرکتی را در اختیار دارد، به مثابه این است که اموال عینی از شرکت به عنوان امانت در اختیار آنها قرار داده و به آنها سپرده شده تا به مصرف معین برساند. دارنده اطلاعات

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۴۷۶

۲. انفال: ۲۷. هان ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیام آورش خیانت نکنید و [هرگز] به امانت های خویشان در حالی که می دانید [امانت هستند و نباید به امانت ها خیانت نمود] خیانت نوزید.

۳. مومنون ۸ و مہارج ۳۲: و آنان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می کنند.

۴. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۱ به نقل از رضا وطن دوست، امانت داری در آموزه های اسلامی، مجله تخصصی

الهیات و حقوق ۱۳۸۳، شماره ۱۴، ص ۱۳۶

۵. "أَلَا تَنْظُرُوا إِلَىٰ كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ... أَنْظُرُوا إِلَىٰ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ"، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، عیون اخبار

الرضاء، ج ۱، ص ۵۶، ح ۱۹۷، به نقل از همان

نهانی امین شرکت محسوب می‌شود و سهامداران یک شرکت نیز مالکان آن به شمار می‌روند. وقتی امین شرکت از اطلاعاتی که به عنوان امانت در اختیار وی قرار گرفته تا در چارچوب معین قانونی برای همه سهامداران بالفعل و بالقوه افشاء شود، سوءاستفاده نماید، اقدام وی خیانت در امانت تلقی شده و امری مذموم و غیرشرعی به شمار می‌رود. به بیان دیگر، اقدام دارندگان اطلاعات نهانی که حسب وظیفه قانونی به آن اطلاعات دسترسی دارند، در معامله با استفاده از آن اطلاعات یا ارائه آن اطلاعات به غیر برای معامله و کسب اِنْتفاع و یا افشای آن اطلاعات از مجرای غیر رسمی و غیر قانونی، مشابه دخل و تصرف یک «امین» است که مالی در اختیار او به امانت سپرده شده تا آن را برای مصرف اشخاص معینی خرج کند اما وی بدون لحاظ این وظیفه، آن مال امانی را صرفاً برای خود و یا افراد خاصی خارج از آن مجموعه یا فقط برای بخشی از افراد گروه خرج می‌کند که هر کدام، مصداقی از خیانت در امانت تلقی می‌شود.

۳- حرمت بی‌عدالتی و ظلم

«عدل» در لغت، نقیض «جور» و ظلم آورده شده است. در معجم مقاییس اللغة^۱ در تعریف عدل آمده: «العدل نقیض الجور»، در لسان‌العرب^۲ آمده که «العدل ما قام فی النفوس انه مستقیم و هو ضد الجور». در مجمع البحرین^۳ و الصحاح فی اللغة^۴ آمده که: «العدل خلاف الجور». «امام علی (ع) عدل را با معانی ای نظیر، انصاف، مراعات حق، هماهنگی و راستی، قرار دادن هر چیز در جای خود به کار می‌برد. می‌توان گفت سه معنای ذیل از مهم‌ترین معانی عدل‌اند و بقیه معانی به گونه‌ای در این سه معنا ریشه دارد:

- ۱- رعایت حقوق دیگران: حقوق همه افراد مورد توجه و رعایت قرار گیرد: «إِعْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ».
- ۲- نهادن هر چیز در جایگاه خود: امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَالْجَوْرُ يَخْرِجُهَا عَنْ جِهَتِهَا».

۳- توازن و تناسب بین برخی اشیا: معانی بالا را می‌توان با توجه به اقسام عللی که در فلسفه پیرامون تحقق یک پدیده مطرح شده است، تمرکز بخشید و گفت: عدل پدیده‌ای است که تحقق آن به علل چهارگانه ذکر شده نیاز دارد و هر یک از آن تعاریف این پدیده را از منظر یکی از علل در نظر

۱. جلد ۴، ص ۲۴۷

۲. جلد ۱۱، ص ۴۳۰

۳. جلد ۳، ص ۱۳۳

۴. جلد ۵، صفحه ۱۷۶۰

می‌گیرد و توصیف می‌کند، مثلاً «اعطاء کل شیء حقه» به نقش علت فاعلی، «وضع کل شیء موضعه» به نقش علت صوری و «توازن و تناسب» به علت غایی اشاره دارند.^۱

پرهیز از تبعیض، به عنوان مهم‌ترین توصیه حضرت، نشان می‌دهد که امام عدالت اقتصادی را در این مقام نیز در حد فخرستیزی متوقف نساخت و به اجرای آن تا مرز توازن بخشی توصیه کرد؛ و پرهیز از اختصاص دادن چیزی به خود در حالی که حق همه مردم در آن یکسان است.^۲

رعایت عدل و انصاف و دوری از هرگونه جور، ظلم و عدوان بر دیگران از بدیهیات و مستقلات عقلیه به شمار می‌رود. این بحث در حقوق اسلام تقریباً جانشین حقوق فطری و طبیعی در حقوق اروپا است. دیر زمانی، بسیاری از متفکرین اعتقاد به پاره‌ای از اصول و ارزش‌های حقوقی داشتند که بلسویه در تمامی جوامع باید رعایت شود. در حقیقت این گروه که در صدر آن پیشتازان معارف بشری سقراط و افلاطون را باید نام برد، اعتقاد تام به وجود واقعی و عقلایی بودن اخلاق دارند. یکی از اقدامات بزرگی که بوسیله سقراط پایه ریزی شد کوشش در اثبات منطقی بودن مبادی اخلاقی است بدون دست یازیدن به الهامات غیبی و اتکاء به جنبه‌های دینی.^۳

لذا هر چند عقل بر وجوب رعایت عدالت و حرمت اعمال تبعیض حکم می‌کند، اما مستندات شرعی دیگری نیز در تایید آن وجود دارد. در کتاب تلمود، از متون مقدس یهود، آمده که فرد بت پرستی نزد عالمی یهودی آمد و به او گفت: تا من روی یک پا ایستاده‌ام تمامی تورات را به من بیاموز! آن دانشمند چنین پاسخ داد: «آنچه را خود از آن نفرت داری در حق ممنوعت روا مدار. این همه تورات است، و بقیه توضیح و تفسیر آن است».^۴

قرآن کریم در آیات متعددی بر لزوم رعایت عدل و انصاف و دوری از جانبداری هم در امر قضا و حکومت و هم در روابط با یکدیگر تأکید دارد؛ از جمله آنها، «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰)، «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)، «وَإِذَا

۱. علی اصغر هادی نیا، عدالت اجتماعی - اقتصادی از دیدگاه نهج البلاغه، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹،

ص ۶۷

۲. وَ إِيَّاكَ وَ الْإِسْتِثْنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَأُهُ، همان، ص ۸۴

۳. محمد طاهر یوسفی، پژوهشی در باب مستقلات عقلیه، خردنامه صدرا، ش ۱۴، ص ۷۹

۴. آبراهام کهن، گنجینه‌ای از تلمود، تکراری اساطیر، ۱۳۹۰، ص ۲۳۴

۵. در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری فرمان می‌دهد.

۶. به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.

حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸)؛^۱ «وَأَمْرٌ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ»^۲ (شوری: ۱۵) «فَأَحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَكَأَنَّ تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (ص: ۲۶)؛^۳ «وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ» (بقره: ۲۸۲)؛^۴ «هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (نحل: ۷۶)؛^۵ «فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات: ۹)؛^۶

علاوه بر آیات کریم فوق، روایات فراوانی بر عدل و انصاف اشاره و تأکید دارند که محدث جلیل القدر شیعه؛ شیخ کلینی در کتاب گران سنگ «اصول کافی» باب «انصاف و عدل» در این خصوص روایاتی را نقل کرده که در بسیاری از آنها از معصومین (ع) شدیداً توصیه به رعایت انصاف و مساوات بین یکدیگر و ترک اعمالی که نسبت به دیگران ناپسند بوده و هیچ فردی برای خود نمی-پسندد، شده است. به عنوان نمونه چند روایت را ذکر می کنیم:

امام صادق (ع) فرمودند: خداوند به حضرت آدم وحی کرد: همه سخنی که با تو دارم را در چهار کلمه برایت گرد آوردم... چهارم: اینکه برای مردم آن را خوش داری که برای خود همان را خوش می داری؛ و برای مردم بد داری آنچه برای خود بد می داری.^۷ یا از این حضرت نقل می کنند که فرمود: «از خدا بترسید و عدالت ورزید، که خود شما از مردمی که به عدالت رفتار نمی کنند عیب می گیرید».^۸ یا می فرمایند: عدالت از غسل شیرین تر، و از کره نرمتر، و از مشک خوشبو تر است.^۹ یا از قول رسول اکرم (ص) نقل می کنند که فرمود: کسی که با تمام مردم بر اساس انصاف رفتار می کند او مومن حقیقی است.^{۱۰}

۱. و چون میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید

۲. و به من فرمان داده اند که در میان شما به عدالت رفتار کنم

۳. در میان مردم به حق داوری کن و از پی هوای نفس مرو که تو را از راه خدا منحرف سازد

۴. و باید نویسنده ای (سند آن را) در میان خودتان به عدالت بنگارد

۵. آیا او با کسی که به عدالت فرمان می دهد و خود بر راه راست است یکسان است؟

۶. میان آنها را داد گرانه سازش دهید و عدالت کنید، که خدا داد گران را دوست می دارد.

۷. «أَوْحَى اللَّهُ إِلَى آدَمَ ع أَنِّي سَأَجْمَعُ لَكَ الْكَلِمَاتِ فِي أَرْبَعِ كَلِمَاتٍ إِلَى أَنْ قَالَ وَ أَمَّا الَّتِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَ النَّاسِ فَرَضَى لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ وَ تَكْرَهُ لَهُمْ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ» اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۶، باب الانصاف و العدل، حدیث ۱۳

۸. «اتقوا الله و اعدلوا فانکم تعیبون علی قوم لا یعدلون»، همان، حدیث ۱۴

۹. «العدل احلی من الشهد و ألین من الزبد و أطیب ریحاً من المسک»، همان، حدیث ۱۵

۱۰. «من انصف الناس من نفسه فذلک المومن حقاً»، همان، حدیث ۱۷

صاحب تفسیر المیزان، علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه «ان الله یامر بالعدل و الاحسان» می-فرماید: ^۱ «در جمله ان الله یامر بالعدل دستور به عدل و داد می دهد، و عدل مقابل ظلم است... عدل به معنای تقسیط و تقسیم بطور مساوی است. ... معنای اصلی عدالت اقامه مساوات میان امور است به اینکه به هر امری آنچه سزاوار است بدهی تا همه امور مساوی شود، و هر یک در جای واقعی خود که مستحق آن است قرار گیرد،... و عدالت در مردم و بین مردم این است که هر کسی را در جای خود که به حکم عقل و یا شرع و یا عرف مستحق آن است قرار دهی، ... و در اجرای قانون تبعیض قائل نشوی ... پس بهر حال عدالت هر چند که به دو قسم منقسم می شود یکی عدالت انسانی فی نفسه و یکی عدالتش نسبت به دیگران، یکی عدالت فردی، یکی عدالت اجتماعی، و نیز هر چند لفظ عدالت مطلق است و شامل هر دو قسم می شود و لیکن ظاهر سیاق آیه این است که مراد از عدالت، عدالت اجتماعی است، و آن عبارت از این است که با هر یک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است، و این خصیلتی اجتماعی است که فرد فرد مکلفین مامور به انجام آند، به این معنا که خدای سبحان دستور می دهد هر یک از افراد اجتماع عدالت را بیاورد، و لازمه آن این می شود که امر متعلق به مجموع نیز بوده باشد، پس فرد فرد مامور به اقامه این حکمند، و هم جامعه که حکومت عهده دار زمام آن است».

از آنچه بیان شد، نتیجه می گیریم که عدم رعایت عدل و انصاف در حوزه اقتصادی و مالی، به معنای ورود ظلم و تضییع حقوق مالی سایر افراد ذینفع می باشد. هر جا که عدالت لطمه ببیند، ظلم در آنجا حاکم خواهد بود. در تمام امور اجتماعی و اقتصادی این قاعده حکمفرماست. در تمام حوزه های اقتصادی کشور، اگر عدالت بین همه افراد جامعه، جاری و ساری نباشد، تبعیض در بهره گیری از امتیازات مالی و اقتصادی حادث خواهد شد و این تبعیض حقوق سایر افراد جامعه را پایمال می کند.

اصولاً در بازار سرمایه، هدف از تشکیل یک بازار منسجم و شفاف در امر اطلاع رسانی، اجرای عدالت اطلاع رسانی بر همه سرمایه گذاران و جلوگیری از سوء استفاده برخی افراد با اتکای آن اطلاعات نهانی بوده است. در این راستا، اقدام دارندگان اطلاعات نهانی اعم از دارندگان اولیه و ثانویه در دادوستد بر اساس آن اطلاعات، اعمال تبعیض علیه سایر سرمایه گذاران ناآگاه می باشد. دارندگان اطلاعات نهانی چنانچه بخواهد عادلانه رفتار نماید، باید از هرگونه سوء استفاده ی تبعیض آمیز از آن اطلاعات خودداری کند و راه را برای بهره مندی همه سرمایه گذاران از آن اطلاعات فراهم نماید. به علاوه افشای عمده این اطلاعات توسط دارندگان اطلاعات نهانی، خواه در جهت منافع عده ای باشد

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۴۷۸

یا نباشد، فضای عادلانه برای کسب اطلاعات از کانال رسمی و قانونی را نادیده گرفته و از این نشت اطلاعاتی، تبعیض در سوء استفاده از آن اطلاعات صورت می گیرد. لذا چنانچه عضو هیأت مدیره یا مدیرعامل یک شرکت پذیرفته شده در بورس تصمیم شرکت مبنی بر افزایش سرمایه یا انعقاد یک قرارداد مهم صادراتی برای محصولات خود به یک کشور خارجی را قبل از اینکه به سازمان بورس و اوراق بهادار ارسال نماید، به اقوام و آشنایان خود اعلام تا آنها نسبت به خرید سهام آن شرکت در قیمت پایین اقدام نمایند، این اقدام، عضو هیأت مدیره یا مدیرعامل در افشای اطلاعات نهانی به گروهی خاص، امری تبعیض آمیز و ظلم به سایر سرمایه گذارانی است که از آن اطلاعات، خبری نداشته و ناشی از آن بی اطلاعی، سهام خود را در قیمت پایین به فروش رسانده اند. همانطور که بیان شد، اطلاعات در بازار سرمایه دارای ارزش و آثار مالی است و لذا هرگونه برخورد تبعیض آمیز با این اطلاعات، مشابه تملیک تبعیض آمیز اموال بین افراد می باشد که خود مصداقی عینی از ظلم و بی عدالتی به شمار می رود.^۱

۴- حرمت اکل مال به باطل

در سوره نساء آیه ۲۹ قرآن کریم آمده است: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ». یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال یکدیگر را به ناحق مخورید، مگر آنکه تجارتی باشد که هر دو طرف بدان رضایت داده باشید و یکدیگر را مکشید هر آینه خدا با شما مهربان است.

مال قوام زندگی است و اگر درست از آن استفاده شود، منشأ خیر و سعادت برای انسان می گردد و اگر ناصحیح و غیرمشروع به کار گرفته شود، موجب هلاکت و نابودی خواهد بود. از این روی، استفاده های ناروا و تصرفات ظالمانه و غاصبانه در اموال و از بین بردن حقوق دیگران، معاملات ضرری، غرری، رشوه، ربا و در یک کلام « اکل مال به باطل » به معنای عام و وسیع آن سبب هلاکت و نابودی مردم و از هم گسستگی جامعه اسلامی است. جامعه ای که افراد آن به راحتی حقوق یکدیگر را زیر پا می گذارند و آزمندانه در اموال دیگران تعدی می کنند، و در پی کسب درآمد فزون تر هستند، بی هیچ پروایی در حرام و حلال آن تیشه به ریشه ی زندگی سالم و حیات طیبه امت می زنند.^۲

۱. در باب اهمیت رعایت عدالت و دوری از تبعیض به ویژه در حوزه مالی و اقتصادی در سنت علوی رجوع شود به: مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۹، صص ۲۹۵ تا ۳۰۰

۲. اسماعیل اسماعیلی، اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری، فقه و اصول، ۱۳۷۳، ص ۱۲۷

معنای «باطل» محدود و منحصر به موارد خاصی نیست، بلکه مفهوم وسیع و عامی دارد و هرگونه تجاوز به حقوق و تصرف در اموال دیگران، اموال عمومی، انفال و حتی تصرفات ناروا و غیرمشروع در اموال خویش و نیز کارهایی از قبیل ربا، رشوه، قمار، ظلم، ستم، غصب و ... را در بر می‌گیرد؛ زیرا باطل در مقابل حق قرار دارد و هر چه غیرحق باشد، باطل به حساب می‌آید. از نظر اسلام هرگونه تصرف در اموال و دارایی‌ها باید براساس حق و عدالت و بر مبنای صحیح صورت گیرد و هر چه غیر از این باشد، حرام و باطل است.^۱

آنچه در نظام اقتصادی اسلام بیش از هر چیز اهمیت دارد، حلال بودن کسب و کار است. یعنی به دست آوردن مالی از راهی که ممنوعیت شرعی ندارد. از این رو قرآن جمع مال از راه های غیرمشروع را ممنوع ساخته و به پیروانش تأکید می‌ورزد که بنیان مالی خود را بر پایه ایمان خالص و تقوا استوار سازند و روزی خود را از راهی به دست آورند که طبع سلیم می‌پسندد و عقل آدمی بر آن رغبت می‌ورزد و خداوند آن را مجاز و مباح می‌داند: و کَلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ^۲ (مائده ۸۸). قرآن از طرفی به کسب حلال امر می‌کند و از طرفی از ضد آن یعنی حرام خواری و انجام کار نامشروع نهی می‌کند و آن را پیروی از شیطان می‌خواند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره: ۱۶۸) ای مردم، از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه بخورید، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، چه اینکه او دشمن آشکار شماست.

روایات متعددی از معصومین(ع) در باب رزق و روزی حلال و دوری از رزق حرام وارد شده است. از پیامبر(ص) روایت شده که عبادت هفتاد جزء دارد که برترین آن کسب روزی حلال است.^۳ یا از آن حضرت نقل شده که فرمودند: روز قیامت از هر فردی در خصوص چهار چیز سوال می‌شود: از جسم او که در چه راهی سپری کرده، از مال و دارایی که از کجا به دست آورده، و در چه راهی خرج کرده و از دوستی ما اهل بیت(ع).^۴

۱. همان، ص ۱۳۰

۲. و از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که خداوند به شما روزی داده است بخورید و از مخالفت با خداوندی که به او ایمان دارید، پرهیزید

۳. محمد نقی رکنی لموکی، کسب و کار حلال، فصلنامه حصون، ۱۳۹۱، ش ۳۷، ص ۴۲

۴. «الْبَيَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ»، بحار الانوار علامه مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۷، حدیث ۲۵

۵. «لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ عَمْرِهِ فِيمَا أَفَاءَهُ وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ وَعَنْ حُبِّمَا أَهْلِ الْبَيْتِ»؛ خصال شیخ صدوق، ص ۲۵۳

همچنین از آن حضرت نقل شده که فرمودند: هر گاه لقمه‌ای حرام در شکم بنده‌ای قرار گیرد، تمام فرشتگان آسمان‌ها و زمین او را لعنت می‌کنند.^۱

به علاوه نقل شده که فرمودند: از بزرگترین حسرت‌ها در روز قیامت، افسوس فردی است که اموالی را از راه غیر مشروع به دست آورده و (آن را در راه طاعت و بندگی خدا معرفی نکرده) و ورثه‌ی او اموال او را به ارث برده و آن را در راه خداوند خرج می‌کند که بدین وسیله اولی وارد آتش و دومی وارد بهشت می‌شود.^۲

همچنین فرمودند: عبادت خداوند با حرام خواری، به مثابه ساختن خانه‌ای بر روی شن و یا آب است.^۳

قرآن کریم در آیه‌ی دیگری نیز از حرام خواران سخن گفته و آنها را « أَكَاَلُونَ لِّلسُّحْتِ » (مانده، ۴۲) نامیده است. « هر مالی که از راه حرام کسب شود، «سُحْت» است »^۴ هر چند در احادیث رشوه را یکی از مهمترین مصادیق آن ذکر کرده‌اند.

پس از آنچه بیان شد، به خوبی روشن شد که دین مبین اسلام همواره بر داد و ستد حلال و اجتناب از شیوه‌هایی که آثار زیانباری بر دیگران به همراه دارد، توصیه کرده است. لذا هر گونه اقدامی که باعث ورود ضرر و زیان به دیگران ناشی از نقصان ارزش یا نقصان فیزیکی اموال دیگران شود، امری مذموم، ناپسند و باطل شناخته شده و معاملاتی که بدین واسطه نیز انجام می‌شود مورد تایید شارع نبوده و همان آثار و نتایج که در روایات پیشین آمد، به عنوان عواقب دنیوی و اخروی برای زیان رساننده در پی دارد.

با این وصف، هر گونه استفاده تبعیض آمیز دارندگان اطلاعات نهانی از آن اطلاعات که در عمل منجر به خرید ارزان سهام دیگران به عنوان یک مال و یا فروش سهام خود به قیمت گران به سهامداران بی اطلاع خواهد شد، مصداق عینی از اکل مال به باطل تلقی خواهد شد؛ زیرا فرد دارنده اطلاعات نهانی علم و آگاهی دارد که قیمت سهام سهامدارانی که اقدام به خرید سهام مورد فروش وی در قیمت بالا نموده‌اند با انتشار اطلاعات به بازار، با افت قیمت و کاهش ارزش ریالی مواجه خواهد شد و

۱. « إِذَا وَقَعَتِ اللَّفْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ »، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲، حدیث ۵۲

۲. « أَنْ أَعْظَمَ الْحَسْرَاتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَسْرَةُ رَجُلٍ كَسَبَ مَالًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَوَرَّثَهُ رَجُلًا فَانْفَقَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ سَبْحَانَهُ فَدَخَلَ بِهِ الْجَنَّةَ وَدَخَلَ

الاول به النار » همان، حدیث ۵۷

۳. « الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ وَقِيلَ عَلَى الْمَاءِ »، همان، حدیث ۷۳

۴. تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۵۵۸

این کاهش ارزش به معنای ایراد ضرر عمدی به سایر سهامدارانی است که بدون اطلاع از اطلاعات نهانی آن اوراق را در قیمت بالا خریداری کرده‌اند.

همچنین اگر دارنده اطلاعات نهانی بابت ارائه اطلاعات نهانی به دیگران (توصیه شونده) درخواست و مطالبه‌ای اعم از مادی یا معنوی داشته باشد که این نیز می‌تواند مصداقی از «اکل سحت» و حرام باشد. ضمن اینکه اقدام توصیه شونده که با آگاهی از عدم افشای آن اطلاعات به بازار اقدام به خرید سهام دیگران در قیمت پایین یا فروش سهام خود گرانتر از ارزش واقعی به دیگران می‌نماید، فعلی حرام و نامشروع می‌باشد؛ به بیان دیگر اگر دارنده اطلاعات نهانی سهام خود را با قیمت گران به فروش برساند، به این معناست که در طرف دیگر صف، سرمایه‌گذارانی هستند که بدون اطلاع و آگاهی از اینکه پس از افشای اطلاعات نهانی به بازار، ارزش و قیمت دارایی سهام آنها در حد دامنه نوسان افت خواهد کرد. طبیعی است که هر چه تعداد سهام آنها بیشتر باشد، مبلغ زیان نیز افزایش می‌یابد.

به عنوان مثال فرض کنید هیأت مدیره یک شرکت پذیرفته شده در فرابورس روز پنج شنبه تصمیم به تعدیل منفی ۴۰ درصدی سود پیش‌بینی شده هر سهم شرکت کرده اند و قرار بوده روز یکشنبه این اطلاعات به سازمان ارسال گردد. روز شنبه یکی از اعضای هیأت مدیره که در جلسه تصمیم‌گیری نیز حضور داشته، با علم و آگاهی از اینکه با انتشار آن خبر منفی به بازار، صف فروش سهم آن شرکت تشکیل و در نتیجه قیمت سهم با افت مواجه خواهد شد، اقدام به فروش ۱۰۰,۰۰۰ سهم خود در آن شرکت به قیمت ۱۰۰۰ تومان کند. از طرف دیگر، به دلیل عدم افشای این خبر منفی توسط شرکت در روز شنبه، سرمایه‌گذاران متعددی مبادرت به خرید سهم آن شرکت به همان قیمت در این روز می‌کنند. روز یکشنبه با افشای اطلاعات تعدیل منفی EPS به بازار، سهم با صف فروش مواجه شده و در نهایت با افت قیمت ۵ درصدی قیمت^۱ مواجه می‌گردد. افت قیمت ۵ درصدی یعنی به ازای هر سهم در آن روز می‌توان افت قیمت ۵۰ تومانی را پیش‌بینی کرد که این مبلغ ضربدر ۱۰۰,۰۰۰ سهم عضو هیأت مدیره با عنوان دارنده اطلاعات نهانی، به معنای این است که وی فقط در یک روز ۵ میلیون تومان از خود دفع ضرر کرده و در طرف مقابل نیز این ضرر متوجه خریداران آن سهام شده است؛ لذا این فروش، مصداق عینی اکل مال به باطل نیز می‌باشد. اما چنانچه دارنده اطلاعات نهانی با آگاهی از اینکه اطلاعات مثبت شرکت با بازار افشاء نشده و قبل از اینکه اخبار را از

۱- در زمان نگارش این سطور، دامنه نوسان قیمت سهم، در شرکت بورس اوراق بهادار تهران ۴ و در شرکت فرابورس ایران ۵ درصد است؛ یعنی قیمت سهام هر شرکتی روزانه به اندازه ۴ یا ۵ درصد قابل افزایش یا کاهش می‌باشد.

کانال رسمی یعنی سامانه کدال نزد سازمان بورس به بازار افشاء کند، اقدام به خرید تعداد زیادی از سهام آن شرکت در قیمت پایین نماید و بلافاصله پس از خرید، اخبار مثبت را به بازار انعکاس دهند، طبیعتاً در این گونه مواقع، سرمایه‌گذاران راغب به خرید سهام آن شرکت شده و در نتیجه صف خرید تشکیل خواهد شد که این پدیده به افزایش قیمت سهم منجر می‌شود. با این وصف، دارنده اطلاعات نهانی، در فرآیند معامله آن سهم، در یک رقابت ناسالم اطلاعاتی و تبعیض آمیز اقدام به خرید سهام سایر سرمایه‌گذاران در قیمت پایین کرده که پس از انتشار اخبار مثبت به بازار، با روند صعودی روزانه ۴ یا ۵ درصد مواجه خواهد شد؛ لذا از یک طرف دارا شدن ناعادلانه و استیفای نامشروع واقع شده است و از طرف دیگر نسبت به سرمایه‌گذارانی که سهام خود را در قیمت پایین به فروش رسانده‌اند، علاوه بر اینکه معامله‌ای با تراضی و تشفی خاطر واقع نشده،^۱ معامله‌ای غرری حادث شده که بدون توازن در اطلاعات مربوط به آن سهام اتفاق افتاده است؛ لذا اسلام با معاملاتی که همراه با غرر بوده و یا شرایط معامله یا اوصاف مبیع برای یکی از طرفین مجهول است مخالف می‌باشد، زیرا اصل در اسلام، «عدالت در معاملات» است و معاملات تبعیض آمیز و غرری چنین تعادلی را به هم می‌ریزد.

در یک فضای بازار رقابتی و سالم و شفاف، هرگونه دارا شدن ناعادلانه دارندگان اطلاعات نهانی، به اعمال ظلم و اضرار سایر سرمایه‌گذاران منتهی می‌شود؛ زیرا بدون جهت و استحقاق، مالک دارایی اضافی شده و سایرین نیز بدون جهت و علت، مالی را از دست می‌دهند و این ضرر و ظلم است و ظلم و ضرر در معاملات اسلامی، حرام و غیرشرعی است.

خلاصه اینکه دین مبین اسلام، در آداب تجارت و معاملات، مسلمین را از هرگونه غش در معامله، تدلیس و نیرنگ، خیانت در امانت، رباخواری، غبن و ایراد ضرر عمدی به دیگران، کم فروشی و ظلم منع کرده و چنین دادوستدهایی را حرام می‌داند. همه این احکام مبتنی بر فطرت پاک بشری نیز بوده و انسان‌ها باید وجدان بیدار خود را به مثابه ناظر بر معاملات خود قرار داده تا همواره این نظارت درونی را احساس و لمس کرده تا در نتیجه در منجلاب حرامخواری نیفتند. لذا؛ در بازار سرمایه نیز باید تلاش کرد تا یک بازار عادلانه و شفاف برای همگان فراهم کرد تا بر آن اساس سرمایه‌گذاران به دادوستد اوراق بهادار مبتنی بر یک رقابت عادلانه و منصفانه بدون تبعیض در دسترسی به اطلاعات مهم و نهانی شرکت‌ها مبادرت نمایند تا بدینوسیله کسب منافع ناشی از خرید و فروش اوراق بهادار شبهه‌ی غیرشرعی به خود نگیرد.

۱. الأَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ

نتیجه‌گیری

اسلام فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر عدل و انصاف و شفافیت معاملاتی که موجب بی‌نیازی افراد به دیگران و استقلال و دوری از وابستگی به غیر می‌شود را تشویق و از هرگونه تبعیض، خیانت در امانات، خدعه، غش، غبن، تدلیس و تضييع حقوق سایر اشخاص موکداً منع کرده و معاملات مبتنی بر آنها را حرام اعلام کرده است. لذا برای داشتن یک اقتصاد سالم و شرعی، این اصول، که از مستقلات عقلیه نیز می‌باشند، لازم‌الاتباع هستند. در بازار سرمایه نیز اصل «شفافیت» و «توزیع عادلانه اطلاعات» بین سرمایه‌گذاران از مهمترین اوصاف آن به شمار می‌رود؛ زیرپاناهان این اصول و مبادرت به اقداماتی که به این اوصاف لطمه می‌زند، علاوه بر ایراد ضرر و زیان مالی به سرمایه‌گذاران، مصداقی از بی‌عدالتی اطلاعاتی در بازار خواهد بود که نتیجه‌ی این بی‌عدالتی، چیزی جز ظلم و عدوان بر سایر سرمایه‌گذاران ناآگاه از اطلاعات نهانی نخواهد بود. سرمایه‌گذاران در یک بازار شفاف و کارآ، در تلاشند اطلاعات شرکت‌ها را از مسیرهای قانونی خود که همان افشای آنها توسط سازمان بورس و از طریق سامانه اینترنتی «کدال» می‌باشد، اخذ نمایند. هرگونه نشت اطلاعاتی از فرایندی خارج از این چارچوب، ضمن اینکه موجبات بهره‌مندی برخی افراد به واسطه سوء استفاده از اطلاعات نهانی را فراهم خواهد کرد، باعث زیان مالی سایر سرمایه‌گذاران نیز خواهد شد و این زیان که خارج از یک روند عادی و معمول بازار و در واقع خارج از یک فضای رقابتی عادلانه حادث شده، اختلال و بی‌نظمی در آن و در نتیجه بی‌اعتمادی به آن را در پی خواهد داشت. اصولاً مدیران هر شرکت و یا کارکنان ناظر بر آنها در سازمان یا بورس و فرابورس، امانت‌دار آن شرکت و امین سهامداران آن شرکت محسوب می‌شوند و فرض بر این است که آنان از اطلاعات نهانی که دارای بار مالی می‌باشد، به نفع خود یا دیگری و در خارج از سازوکار قانونی برای انتشار آن اخبار، سوء استفاده نمی‌کنند. هرگونه اقدام آنان در خارج از وظایف محوله، به مثابه بی‌خیانت در امانت و امری حرام تلقی می‌گردد. به علاوه، کسب سود و منفعت ناشی از خرید یا فروش اوراق بهادار خود با استفاده از اطلاعات نهانی شرکت تحت اختیار، ضمن اینکه مصداقی از «اکل مال به باطل» به شمار می‌رود، به لحاظ ضرر و زبانی که به سایر صاحبان سهام وارد می‌کند، مطابق قاعده «لاضرر»، مذموم می‌باشد. در یک اقتصاد سالم و شرعی، هیچکس نباید با ایراد ضرر و زیان به دیگری، پله‌ی پرتابی برای انتفاع مادی خود یا دیگران بسازد. خلاصه اینکه، عناوین مجرمانه‌ای که در حوزه اطلاعات نهانی در قانون بازار اوراق بهادار به تصویب رسیده، پایه‌های فقهی و شرعی نیز دارد که مبادرت به هر کدام از آن رفتارها، به لحاظ عدم رعایت برخی معیارهای اخلاقی و شرعی، حرام شمرده می‌شوند.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، ۱۳۶۳
۳. احمد بن فارس زکریا، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلامی الاسلامی، ۱۴۰۴
۴. اسماعیلی، اسماعیل، اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری، فقه و اصول، ۱۳۷۳
۵. ایوبی مهریزی، حسین، مبانی قاعده لاضرر از دیدگاه فقه امامیه، کاوش نامه علوم انسانی، سال اول، ۱۳۷۹، ش ۱
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶
۷. خمینی، روح... (ره)، رسائل، موسسه چاپ و نشر و توزیع اسماعیلیان، ۱۳۸۵ هـ.ق، ج ۱
۸. دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان مصوب ۱۳۸۶/۵/۳ هیات مدیره سازمان
۹. رضایی نژاد، عبدالحسین، گستره کارآمدی قاعده فقهی لاضرر، حقوق اسلامی، سال ۷، شماره ۲۵، تابستان ۸۹
۱۰. رکنی لموکی، محمد نقی، کسب و کار حلال، فصلنامه حصون، ۱۳۹۱، ش ۳۷
۱۱. سلیمانی، حسین، جرایم در حقوق کیفری یهود، هفت آسمان، شماره ۲۷۶
۱۲. شیخ صدوق، خصال، موسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۲
۱۳. شیخ کلینی، الاصول من الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ۱۳۶۳
۱۴. طباطبایی، سیدمحمد حسین، تفسیر المیزان، جلد‌های ۵ و ۱۲
۱۵. الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷
۱۶. علم الهدی سیدمهدی، نقش اطلاعات نهانی در تزییع حقوق سهامداران و راهکارهای مقابله با آن، سایت مدیریت پژوهش سازمان بورس و اوراق بهادار
۱۷. کهن، آبراهام، گنجینه‌ای از تلمود، تکراری اساطیر، ۱۳۹۰
۱۸. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۸
۱۹. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضاء، ج ۱، ص ۵۶
۲۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۵ و ۱۰۰
۲۱. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، انتشارات صدرا، ج ۹
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۳

۲۳. میرزایی منفرد، غلامعلی، تحلیل جرم سوء استفاده از اطلاعات نهانی در بازار اوراق بهادار، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۵، بهار و تابستان ۹۲.
۲۴. میرزایی منفرد، غلامعلی، تحلیل جرم معامله متکی بر اطلاعات نهانی، پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، شماره ۱۷، ۱۳۸۹.
۲۵. وطن دوست، رضا، امانت داری در آموزه‌های اسلامی، مجله تخصصی الهیات و حقوق ۱۳۸۳، شماره ۱۴.
۲۶. هادی نیا، علی اصغر، عدالت اجتماعی - اقتصادی از دیدگاه نهج البلاغه، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹.
۲۷. یوسفی، محمد طاهر، پژوهشی در باب مستقلات عقلیه، خردنامه صدرا، ش ۱۴.
۲۸. سایت اینترنتی مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس، به آدرس www.rdis.ir

Archive of SID